



به اسم آزادی نیروی انسانی ما را گرفتند

را به فحشا کشیدند. به اسم آزادی، همه آزادی‌ها را از ماها سلب کردند. اینهایی که زمان رضاخان را در کز دهنده می‌دانند چه می گویم. آنها دیدند که چه کردند یا مد و چه کردند با زن‌های محترم مد آنها که زمان محمدرضا را در ک کردند، آنها هم می‌بینند. با اسم‌های فریبنده، با الفاظ بز ک کرده مملکت ما را رو به خرابی بردند. بالاتر از همه جوان‌های ما را قلسد کردند. نیروی انسانی ما را به عقب نشاندند.

صفحه امام ج: ۷ص: ۳۳۹ اقم: ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

سرلشکر موسوی:

طوفان الاقصی موازنه قدرت را به نفع گفتمان انقلاب اسلامی تغییر داد
رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با بیان اینکه بنیای لبل و بعد از طوفان الاقصی قابل مقایسه نیست، گفت: امروز شاهد تغییر موازنه قدرت به نفع گفتمان انقلاب اسلامی هستیم.

امیر سرلشکر سیدعبادالحج موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در چهل‌ونهمین مراسم تحلیف، دانش‌آموختگی و میثاق مجاهدان فی سبیل الله دانشگاه افسری و تربیت پیلان امام خمین(ع)، با تبریک به دانش‌آموختگان و خانواده‌های آنان، اظهار داشت: پوشیدن لباس پرافتخار فرجا و خدمت به مردم تحت امر ولی فقیه، انتخابی والا و مایه مباهات است.

وی با تقدیر از دست‌اندرکاران برگزاری مراسم و خانواده‌های شهدا، ایثارگران و مجاهدان راه دفاع از اسلام و میهن، افزود: سال ۱۴۰۳ برای فرجا سالی سراسر تلاش و موفقیت بود و با تقدیر از برگزیدگان امروز، نمادی از قدرتی در دانش‌های این عزیزان در سراسر کشور است. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در بخش دیگری از سخنان خود به تحلیل اوضاع منطقه پرداخت و با اشاره به تحولات پس از عملیات «طوفان الاقصی» تأکید کرد: دنیای قبل و بعد از طوفان الاقصی قابل مقایسه نیست و امروز شاهد تغییر موازنه قدرت به نفع گفتمان انقلاب اسلامی هستیم.

وی یادآور شد: جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران، تنها یک رویارویی نظامی نبود، بلکه ازمنوی بود که اقتدار جمهوری اسلامی ایران و عقلایت راهبردی محور مقاومت را برای جهانپران روشن کرد. مدیریت این بحران، بر پایه رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری، حضور ملت بیبار و نیروهای مسلح قدرتمند شکل گرفت. سرلشکر موسوی تصریح کرد: امروز واقعی رژیم خودکش صهیونیستی و ارتباطش با غرب برای جهانپران آشکار شده است. این رژیم با حمایت کامل آمریکا در ده سال گذشته به شش کشور مسلمان تجاوز کرده و دهها هزار اسان شه‌کشته را با شهادت رسانده است. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به مقاومت یکپارچه ملت ایران در برابر تجاوزات، بیان کرد: جمهوری اسلامی ایران به فرماندهی رهبر معظم انقلاب، در سمت درست تاریخ ایستاده است و با استکبار جهانی و رژیم منحوس صهیونیستی ذریای عقب‌نشینی نکرده و نخواهد کرد.

وی در ادامه، با تقدیر از تفویق فرینی فرجا در کنار نیروهای مسلح و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونی، اذعان کرد: نیروهای مسلح با تمام ظرفیت در محنه حاضر شدند؛ از مرزبانی و تأمین امنیت داخلی تا مقابله با عملیات روانی دشمن و پشتیبانی اطلاعاتی از جنبه دفاعی.

سرلشکر موسوی با اشاره به دشمنی‌های ازا خودگفتمانشدهای سیاسی دشهای مجموعه نظامی، عنوان کرد: پلیس ایران حافظ نظم، مدافع آرامش مردم و سد راه فتنه‌گران و تروریست‌ها شد و در این شه‌های گرافتداری را تقدیم کرد. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با تأکید بر عزت و حکمت در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، خاطرنشان کرد: ایران عزیز ما بر سر عزت و باورهای دینی و شکوه تمدنی خود با کسی معامله نخواهد کرد. رفتار و تصمیمات ما از سر حکمت، عزت، صلحت و در سایه عقلایت و مقاومت است.

وی خطاب به دانش‌آموختگان گفت: شما جوانان فداکار و منتخب ملت، حفاظان امنیت و آرامش این ملت بزرگ هستید و این قابلیت را مدیون خانواده‌های بزرگوار خود هستید. سرلشکر موسوی با پرشردن ویژگی‌های فرجا اظهار داشت: ما فرجا، با فداکاری، رافت، ایمان، جفاشنایی و انقلابی‌گری عجیب شده و واژه فرجا اجابت، آرامش، محبت، اعتماد و امتداری را در ذهن‌ها متبادر می‌کند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح با اشاره به پیچیدگی امنومورتی‌های فرماندهی انتظامی، بیان کرد: در فرجا یک نفر به تنهایی با مکتوبن پیچیده ماموریت را بر دوش می‌گیرد که نشان از صبوری، درایت، تعهد و بصیرت نیروهای انتظامی دارد. وی وحدت و همکاری نهادهای امنیتی را کلید موفقیت خاوند و افزود: حفظ امنیت ایران امروزینی چندلایه‌ای و چند سامانی است که در سایه وحدت، هماهنگی و همکاری میان فرجا، سپاه ارتش، وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای محقق می‌شود. سرلشکر موسوی در پایان با تشکر از فرمانده کل انتظامی و دست‌اندرکاران دانشگاه افسری و تربیت پلیس امام حسن مجتبی(ع) خاطرنشان کرد: تلاش می‌کنیم به یارای خاوند بزرگ، پلیس ما به جز ماموریت و وظیفه، هیچ دغدغه دیگری نداشته باشد و از درگاه خاوند مسئلت داریم سایه برکت مقام معظم رهبری بر سر ملت ایران مستدام بماند و گزارش دفاع سپر، در این مراسم تعدادی از خانواده معظم شهدا مورد تقدیر قرار گرفتند و جوایز نفرا ت برتر، درجه و سرودشی نماینده دانشجویان نیز توسط رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اعطا شد.



ادامه از صفحه ۲

خبر ویژه

بانک آینده هم

یکی از خسارت‌های رویافروشی برجامی است؟

روزنامه اقتصادی وابسته به مدعیان اصلاحات می‌گوید: نایب‌زاه‌ها و خسارت ناشی از بانک آینده، به‌وعده‌های برجامی و اجرای فروشی مدیران بانک می‌رسد. در حالی که گفته می‌شود بانک آینده حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان زیان بالا آورده و بسیاری بلامد حیات خود، مراکز بانکی دولتی را هم درگیر خود کرده، روزنامه دنیایی به سرقرمقای‌نوشته است. ۵۰ شکر منزل کردی اقتضای اربا لیست می‌کرده‌ی، یکی از آنها تعدین بدهی بانک آینده بود که به‌سایه بانک جدید چطور شروع شد؟ آینده ایجاد شد تا پروژه‌های چون ایران‌آرام تأمین مالی شود. مفروض این پروژه‌ها این بود که برجام ثمر می‌دهد و موج سرمایه‌گذاری خارجی رخ خواهد داد و درآمد سرانه مردم افزایش یافت و خرید از بانک‌های نریدندگی، جایگزین رواج می‌یابد و این مراکز، محلی برای حضور برنده‌ای خارجی خواهد شد. از قضا تراسب اربا آورد و نه‌پایان به برجام خارج شد و نه‌تنها برنده‌های خارجی به ایران نیامدند، بلکه درآمد ایرانیان رو به کاهش نهاد و قدرت خرید تضعیف شد. در نتیجه پروژه‌هایی چون ایران‌آرام نتوانست طبق انتظار سودآور باشد.

مسئله آن که وضعیت بانک آینده را وخیم‌تر کرد، راهبرد تهاجمی این بانک در جذب سپرده بود. این بانک برای اینکه مبلغ لازم را برای اجرای کاران کل‌سرمایه‌گذاری کند، نرخ سود سپرده را بالا برد و منابع بانکهای دیگر را به این سمت سوق داد. نتیجه این بود که بانکهای دیگر را هم به سمت افزایش نرخ سود سوق داد. این گونه نراتاری در نظام بانکی تشدید شد و نقدینگی کش را در یک‌پارچه نریدندگی، زمینه قزیمین و املاک از جمله ایران‌آرام افزایش یافت. اما تورم هم افزایش یافت. لذا برخی کارشناسان این رفتار بانک آینده را یک طراحی غیرمصنفاه و سوءاستفاده از قدرت خلق پول برای کسب سود از محل تضعیف قدرت خرید عمومی تحلیل و آن را اقدامی مجرماه تلقی کرده‌اند. دنیای اقتصاد می‌افزاید: «در حقیقت اساسی این داستان این است که آیا در مدت‌مقام رفتار بانک مرکزی متوجه این اقدام مجرب نبوده؟ آیا مسلط کارشناسی بانک مرکزی آن‌قدر نازل بود که درک نمی‌کرد بانک آینده چه اتفاقی می‌افتد؟ خیلی به‌سخت است که چنین باشد! احتمالاً بانک مرکزی به خوبی می‌فهمید که چه اقدامی در حال انجام است، اما قدرت راستی‌استنادی در برابر بانک آینده نداشتند. است. اما آینده بانک آینده چیست؟ با تصمیمی که علی‌ش شده، مشخص شد که قرار است این بانک در بانک ملی اقدام دهد. دارایی‌های آن توسط بانک مرکزی (صندوق بیمه سپرده) به مرور زمان فروخته شود و بدهی‌های آن به بانک ملی منتقل شود. آمار و اطلاعات دقیقی در مورد رشد این دارایی‌ها موجود نیست. اگر این رشد روز این دارایی‌ها در این یک‌دست مسکن آن‌قدر باشد که پساندخ‌های بدهندگان را از بین ببرد، بانک بدون هزینه زیاد برای کمک مردم خواهد بود. اما اگر ارزش روز این دارایی‌ها هم باشد یا برای آن مشتری پیدا نشود، آن‌ها باید گفت بدهی تفاوت بدهت و دارایی امکان از جیب توده مردم جبران خواهد شد. هر چه عادی باید نشان دهنده این اشتباه بزرگ را بدهند». یادآور می‌شود پروژه ایران‌آرام احداث یک بازار بزرگ در غرب تهران است که ادعا می‌شود، قرار است بزرگ‌ترین مرکز خرید جهان باشد. اینستاگرام یاد از گردندگان روزنامه دنیای اقتصاد و جریان سیاسی برگزاری چنین اقدامات است.

میتوان به‌استیصال کرد که چرا روافروشی برجامی، خسارت‌های بزرگی را به اقتصاد کشور وارد کرده‌ند؟ چه کسی به دروغ ادعا کرده‌ند که صدها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی با برجام به کشور می‌آید و حال آنکه در سال‌های قبل از تحریم جذب سرمایه خارجی عمداً پنج‌صت میلیارد دلار بود. ثانیاً در کدام اقدام اقتصادی مغفول، مال‌سازان با افزایش پساندخ سود سپرده و به‌هم ریختن اقتصاد موجب بدهت و بدهت‌های بی‌پایان تولیدی و سدآوری پدیدار می‌شود؟ ثالثاً چرا زبانه‌های این بانک موقع برخورد نشد تا حجم زیان آن افزوده نشود و هزینه‌های جابجایی و پشت‌هم‌اندازی مدیران بانک به گرجن دولت و بانک مرکزی بيفتند؟

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: به چه علت مرغ کامل در بازار دیده نمی‌شود و اغلب مرغ به صورت قطعه‌قطعه عرضه می‌شود و در نهایت، قیمت به بیش از ۲۵۰ هزار تومان در هر کیلوگرم می‌رسد؟ باید پاسخ داده شود که وقتی ارز ترجیحی پرداخت می‌شود، چرا خروجی آن به صورت روشن در بازار دیده نمی‌شود؟

محمدقیاف قالیباف، رئیس‌مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی روز سه‌شنبه (۶ آبان ماه) مجلس شورای اسلامی و پس از ارائه گزارش وزیر جهاد کشاورزی درباره نحوه رسیدگی به امور معیشتی خانوارهای کم درآمد و نظام دهک‌بندی و چگونگی ارائه اقلام ضروری در قالب بسته معیشتی پایه به صورت کالابرگ الکترونیکی و تأمین اقلامی اساسی و نهادهای دامی، اظهار کرد: بخش عمده‌ای از واردات نهاده‌ها، در ارز ترجیحی انجام می‌شود.

وی توضیح داد: بیش از ۱۰ میلیون تن ذرت، حدود ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تن جو، حدود ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تن کنجالیه سویا و حدود ۲ میلیون تن دانه‌های سویا وارد کشور می‌شود. رئیس‌مجلس شورای اسلامی ادامه داد: زمانی که این حجم از واردات نهاده‌ها در از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی انجام می‌شود، چرا قیمت مرغ در بازار به کیلویی ۱۶۰ تا ۱۷۰ هزار تومان رسیده است؟ زمانی که ارزش هزینه‌ها در جمله نرخ برق، دستمزد کارگر و سایر هزینه‌ها هم محاسبه کنیم، حداکثر قیمت تمام شده برای مرغ ۱۳۰ هزار تومان می‌شود.

وی بیان کرد: سؤال دیگر آن است که به چه علت مرغ کامل در بازار دیده نمی‌شود و اغلب مرغ به صورت قطعه‌قطعه عرضه می‌شود و در نهایت، قیمت به بیش از ۲۵۰ هزار تومان در هر کیلوگرم می‌رسد؟ باید پاسخ داده شود که وقتی ارز ترجیحی پرداخت می‌شود، چرا خروجی آن به صورت روشن در بازار دیده نمی‌شود؟

دهک‌بندی‌ها در قانون مشخص است؛ دولت‌ها خلاف قانون عمل کردند

رئیس‌مجلس شورای اسلامی همچنین در جریان بررسی عیملکرد دستنگذاهای متولی در اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی عنوان داشت: دهک‌ها در قانون مشخص شده، به این صورت که هفت دهک پاره‌ه دریافت می‌کنند و سه دهک بلیاد پاره‌ه دریافت کنند، اما چند سال متوالی است که خلاف قانون عمل می‌شود. وی اظهار کرد: چندین سال است که سامانه رفاه ایرانیان چگون‌ها دارد و این سامانه باید به‌گونه‌ای باشد که اگر فردی از ۷ دهک باریه بگیر خارج شد، بتواند اطلاعات خود را در سامانه مشاهده کند که چرا حذف شده و این اضافه می‌شود مشخص شود چرا به این دهک‌ها افزوده شده است.

رئیس‌مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: دولت و مجلس تصمیم گرفتند که در اسیان ماه کالابرگ

الکترونیکی که توزیع کالا است، اجرائی شود.

قالیباف متذکر شد: در برنامه هفتم آمده که وزارت تعاون مجاز است در سقف منابع مربوط در قوانین بودجه سنواتی با طراحی و استقرار نظام تأمین اجتماعی چندلایه مبتنی بر آزمون وسع و مادیف کاهش فقر مطلق خانوارهای کم‌درآمد به‌صورت کالابرگ الکترونیکی مازاد بر یارانه‌های قانونی اقدام کند.

وی تأکید کرد: مجلس در قانون آورده که بر اساس نظام تأمین اجتماعی و با آزمون وسع بین ۱۰ دهک، ۷ دهک را شناسایی کنید؛ آقای میدری! شما باید آزمون وسع را انجام دهید.

قالیباف گفت: هدف مجلس این است که پاره‌نای که در ابتدا تأمین اجتماعی و به صورت ارز به نهادهای هم‌دهیم، به کالاهای مشخصی تبدیل کرده و حداقل ۲۱۰۰ کالری

در روز به خانوده‌ای ۷ دهک برسد.

دهک ۷ واحد شرایط دریافت کالابرگ این ماه مشخص شوند

رئیس‌مجلس شورای اسلامی در ادامه اظهار کرد: این ماه تصمیم دولت و مجلس بر این است که کالابرگ اجرا شود. وی اضافه کرد: ۱۱ سال است که پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان ایجاد شده و مرجع این کار است. اینکه اطلاعات این سامانه به روز نمی‌شود، یکی از اشکالات است. البته هم محاسبه کنیم، حداکثر قیمت تمام شده برای مرغ ۱۳۰ هزار تومان می‌شود.

رئیس‌مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید این مطالبه را داشته باشد تا داده‌های سامانه رفاه ایرانیان به روز باشد، اظهار کرد: آزمون وسع باید با بر اساس شاخص‌ها انجام شود. ما به دنبال این هستیم که دهک‌ها را براساس درآمدی تقسیم کنیم. این قانون به ما گفته که براساس این دهک‌های کارآمدی، در دهک هفتم را تحت پوشش قرار دهیم.

وی تصریح کرد: خواسته روشن ما این است که حتماً دهک‌های که به آن کالابرگ کالاهای متعلق می‌شود این ماه مشخص شوند تا واز رختانه به‌طور کامل آمدگی داشته باشند. ما نیز در مجلس آمدگی کل داریم تا هر کمکی می‌توان را برای شفاف شدن و دقیق‌شدن اطلاعات، ارائه دهیم. در نهایت بر اساس اطلاعات دقیق می‌توان عمل کرد.

قالیباف با بیان اینکه توجه به مردم به‌خصوص قشر ضعیف اولویت کشور است، توضیح داد: ما در آبان ماه کالابرگ را به همه‌ها ششلی که وزارت رفاه به ما بگوید که چه کسانی مشمول هستند، نتوانستیم خواهم داد. و حتماً در سازمان برنامه و بودجه اعتبار لازم برای این کار فراهم خواهد شد.

وی ادامه داد: اینکه کدام شبکه می‌خواهد این کار

اخبار کشور

قالیباف با اشاره به «گرانی قیمت مرغ»:

وقتی ارز ترجیحی پرداخت می‌شود چرا خروجی آن در بازار مشهود نیست؟

را اجرائی کند یعنی توزیع و تهیه آن موضوعات مهمی است که طبیعتاً این دو وزارتخانه نقش دارند؛ در حوزه نهاده‌ها وزارت کشاورزی و در حوزه اینکه چه کسانی مشمول می‌شوند، وزارت رفاه و در تأمین اعتبار سازمان برنامه بودجه نقش دارند.

رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: در حوزه سلامت حدود چهار میلیارد دلار از برای دارو تخصیص می‌دهیم، ما حدود ۱۰ درصد از جمعیت را داریم که قریب به سه میلیون هستند که جراحی و عمل پرهزینه دارند. قیمت تمام شده جقدر است؛ برای ما خیلی بالاست. این‌جا باید از بیمه خرید خدمات کنیم، دولت بایستد و تولی‌گری خود را داشته باشد.

در دولت رفاه

ما یارانه ۷ میلیون نفر را حذف کردیم
در ادامه این جلسه احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با حضور در پشت تریبون پهرستان یادآور شد: در شرایط کنونی ما از ۸۹ میلیون نفر ۷۵ میلیون نفر یارانه می‌گیرند که پاره‌ه حدود ۱۲ میلیون نفر دیگر، مقرر شد فقط به واردکنندگانگی مجوز ثبت‌سفارش مجدد داده شود که حداقل ۶۰ درصد از تعهدات خود را انجام داده و کالا وارد کرده باشند.

وی تأکید کرد: با برنامه‌ریزی‌های انجام شده، نه تنها با پایان سال، بلکه تا تیر ماه سال آینده از نظر ثبت‌سفارش و برنامه‌ریزی برای تأمین کالای مورد نیاز در حوزه نهاده‌های دامی کشور پیش‌بینی‌های لازم انجام شده است.

نوری وزیر اقتصاد اذعان کرد: البته مشکلی که امروز با آن مواجه هستیم و موجب فشار شدید بر مرغانران و دامداران شده است، مربوط به مسئله پرداخت مطالبات ارزی کسه در دو ماه اخیر، وقفه ایجاد شد و کالاهای به‌به‌بندر رسیدند، امکان ترخیص نداشتند. البته با پیگیری‌های انجام شده، از روز گذشته مسیر باز شد و تنها با پرداخت ۱۱۰ میلیون دلار، شش کشتی موفق به پهلوگیری شدند.

وی ادامه داد: از صبح دیروز نیز حمل کالا به واحدهای دامداری و مرغاری در سراسر کشور آغاز شد و به‌طور محص ۲۰۰ میلیون دلار دیگر تریق شد و روند حمل با سرعت ادامه دارد. از سوی دیگر، برنامه‌ریزی شده است که نیاز واحدها به صورت دقیق سنجیده شود و نهاده‌ها به شکل مساوی در کل کشور توزیع نشود تا هیچ واحدی بدون نهاده نماند.

به گزارش مهر، وزیر جهاد کشاورزی با بیان اینکه تأمین ارز مورد نیاز برای واردات نهاده‌های دامی به کشور ضروری است، گفت: این اقدامات را روند مشکلات را ایجاد خواهد کرد، چرا که نباید تولید در بخش کشاورزی، دامداری و مرغاری برای یک ساعت هم تعطیل شود. بنابراین باید اولویت اول کشور در تأمین و پرداخت ارز، مسئله غذا و نهاده‌های دامی باشد.

به گزارش فارس، وزیر با طرف آنها رفت. او لباس بسیجی پوشیده بود. سریع به چند نفر از نیروها که لباس شخصی به تن داشتند، دستور دام به صورت نامحسوس به جمع آنها نزدیک شدند و مراقب اربا می‌باشند. آرمان رفت و با آنها دست داد و شروع به گفتگو کرد. یک نفر آنها را نمی‌شناختند. از حرکات آن جوانان معلوم بود، با پر خاش محبت می‌کنند. آرمان، آرام و ملایم به صحبت‌هایشان گوش می‌داد و بعد با متانت حرف می‌زد. این گفتگو بیش از یک ساعت طول کشید. در نهایت طوری شد که آنها با آرمان می‌گفتند و می‌مخندیدند. بعد دقیقه بعد هم آرمان نداشتند و خداحافظی کردند و به سمت انتهای خیابان صام به راه افتادند. وقتی آرمان پیش ما رسید، نیروها به شوخی به آرمان می‌گفتند: «چی شد؟مخشون رویدی؟ چی کارشون کردی؟» اشاره می‌کردی فرم ثبت‌نام بسج رو برانشون بیاریم.»
آرمان گفت: «کار خاصی نکردم. یک گفتگو کلی ساده بود و شبها ت آنها را برطرف کردم.» بعد از این ماجرا چند روز دیگر به شهرک آبکانتان رفتم. بر هر همان ۱۲ جوان می‌آمدند و با آرمان خوش و بش می‌کردند. در یکی از شبهای استقامت‌ران در شهرک آبکانتان، آرمان نیماده بود. آرمان خوش و بس رسیدند، چون آرمان را پیدا نکردند، سراغ من آمدند و پرسیدند: «آقا فرمان نیست؟» پاسخ دادم: «مشب نیماده و احتمالاً در حوزه، کلاس‌های شبانه دارد.» گفتند: «حوزه؟ چه حوزه‌ای؟» گفتم: «حوزه‌ای که طلبه‌ها اونجا درس می‌خوانند.» گفتند: «آقا فرمان؟ آخوند؟» گفتم: «بله.» گفتند: «چه آخوند باحالی! این اقا فرمان خیلی خوش اخلاقه. هر چی هستش فقط خندید و ما به شوخی کرد. اونقدر با حوصله به سوالاتمون جواب داد که از رو رفتیم.»

مسئولیت‌شناسی و عطفوت یک پرستار

یکی از دوستان شهید علی‌وردی در مدرسه علمیه آیت‌الله خبشتان نیز گفته بود: ایستاده بودیم در جمعیت و شلوغی آبکانتان. در این معرکه همه حرف‌های ناخوش می‌زدند. فحش می‌دادند. به او گفتیم: «ختم چه می‌فشی بدش را به پاسخ به این‌ها، می‌گفت: نه، من دهانم را اوده نمی‌کنم.» خیلی مودب بود. اصلاً حرف بد یا رفتار بد از او ندیدیم. وی افزوده بود: از ناحیه قفس به گردان ما ماموریت داشتند و آنجا رفتم. حدود ۵۰۰-۶۰۰ نفر جمعیت بود. رفتم و نگاه کردم که ببینیم اوضاع چطور است. من حواسم به یکی دیگر از بچه‌ها بود. یکی از دوستان‌مان را گرفتند. من رفتم و از کمک کتم و از دست آن‌ها نجات دهم، شخص دش را سمت ریه‌م در آرمان را گرفته‌اند. ما در این راجت‌نامد، اما آرمان را بر دهنه بردند و هرچه گشتند پیدایش نکردم. رفیق شهید علی‌وردی گفت: همان جوانی، از بالای ساختمان‌ها داشتند روی سر ما بلوک و سنگ پرت می‌کردند. داشتیم این سنگ پرت‌کردن‌ها و بچه‌ها و اوضاع را جمع‌وجور می‌کردیم که دیدیم یکی از موتور‌ها برنشین نرند. فقیهدیم آرمان موتور برگشته است. رفتم که بگیردم و پیدایش کنم که بچه‌های گشت کنار خیابان پیدایش کرده بودند. پدرش نرستان‌شان کرده بود. تلخی داستان آنجا بود که قبل از این که خودش را پیدا کنند، بدش فیلمش را برام فرستاد و گفت: بچه‌م تن کجاست! آنرا» مشخص شد فیلم آنرا خیلی زود منتشر شده بود. در حدی که ما هنوز خودش را پیدا نکرده بودیم، فیلمش منتشر شده بود و خرچیده بود و دست پدرش رسیده بود. ما که در فیلم دیدیم سالم است و دارد محبت می‌کند، خیلی خندیدند. ازم گفت: که خدا را شکر سالم است و با خیال راحت آماری پیدایش می‌گشتم. در حالی‌که بعد از قطع کردن فیلمبرداری، سر آرمان را به جدول می‌کوبند و مغزش شکافته می‌شود. از بس با چوب این بچه را زده بودند تمام زواریهایش کبود شده بود.

وی بیان داشت: وقتی او را پیدا کردیم، خیلی سر و موشتش پر خون بود. اول بردیم بیمارستان صام، با وجود این‌که تخصص این بیمارستان زنان و زایمان است و با این‌که در جلوی در اورژانس است، ما به گفته‌ند که بدیش بیمار تصادفی نراند، اما وقتی حال آرمان را دیدند، بدیش کردند. سبب نرستان‌شان این بیمارستان قبله تقدیر بود. از ابتدای کار آن اتفاق افتاد که با آمولاس آن را بردیم تا لحظه آخر در بیمارستان قبیله‌لته(ع) و زمانی‌که سستری شد، کامل کنار آرمان بود و تمام تلاشش را برای پرستاری و مراقبت از او می‌کرد. زمانی‌که بدیش بیمارستان قبله(ع) تمام شد و دستاوها را در آرمان وصل کردند، خیالش راحت شد که دیگر به حضور او نیازی نیست. کار را هما کرد. خداوند خواهد.

طلبه هکلاسی شهید علی‌وردی گفته بود: دقیق اول، هشیاری‌اش روی ۳ بود. تا ۲۴ ساعت بعد متأسفانه در می‌مان رفت. بعد از این حادثه ما بر گشتیم آبکانتان و آنجا را رها زده بودند و در خواب خوش بودیم. مسیر زبانی او را روی زمین کشیدیم. مادرش در بالای قبر قبیله هکلاسی **روایت رئیس دفتر رهبر انقلاب از لحظه خاکسپاری شهید آرمان علی‌وردی**

در همین زمینه، حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محمدی کیاگیاکنی، رئیس دفتر مقام معظم رهبری در ۱۴۰۲ در این نکوداشت آیت‌الله خربلی روایت حضرت از لحظه خاکسپاری شهید آرمان علی‌وردی و بی‌تابی‌های مادر وی را نقل کرد.

به گزارش مشرق، وی بیان داشت: یکی از مداحان حضرت برای خبشتان این بیت می‌کرد که که هنگامی که پیکر پاک آرمان را در قبر گذاشتیم، مادرش در بالای قبر خیلی بی‌تاب می‌کرد. به او گفتیم مادر جان من این جنازه پاک را در آغوش امام حسین(ع) گذاشتیم. با این گفته مادر آرمان آرام شد.

رئیس دفتر مقام معظم رهبر ادامه داد: دو سه روز بعد، فردی که از این قبیله اطلاع نداشت به این ملأح می‌گوید در خواب حضرت امام حسین(ع) را دیدم که فرمودند که من جنازه آرمان را به آغوش گرفتم.

قتل اینها را باید نتواهیام کرد

۱۱ آبان ۱۴۰۱ رهبر انقلاب در دیدار دانش‌آموزان درباره شهید علی وردی خاطرنشان کردند: آن طلبه جوان - طلبه شهید خود را تهران، آرمان عزیز چه گناهی کرده بود؟ یا شهید جوان، دانشجو جوان، آمده شده، متدین، مؤمن، متعبد، حزبالله‌ای، آنکه از یک شکنجه‌کننده، زیر شکنجه و از یک شکنجه‌گر، چاق قبیله‌شمار را محکوم کردند؟ چرا قبیله کوچکی است! اینها چه کسانی‌اند؟ باید فکر کرد. اینها چه کسانی‌اند؟ اینها بچه‌های ما که نیستند، اینها حق‌پسرنده‌اند! اینها را محکوم نکردند؟ چرا قبیله‌شمار را محکوم نکردند؟ چرا قبیله مخفی واقع را یک حادثه دررفین را، در سکوهای اطلاعاتی‌شان در اینترنت، هزاران بار تکرار می‌کنند. اما اسامی آرمان را در اینترنت ممنوع می‌کنند که نباید در سکوی اینترنتی می‌کرد.

رئیس دفتر مقام معظم رهبر ادامه داد: دو سه روز بعد، فردی که از این قبیله اطلاع نداشت به این ملأح می‌گوید در خواب حضرت امام حسین(ع) را دیدم که فرمودند که من جنازه آرمان را به آغوش گرفتم.

صفحه ۱۱

چهارشنبه ۷ آبان ۱۴۰۴

۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ - شماره ۲۳۹۹۱

به مناسبت سومین سالگرد شهادت مظلومانه طلبه بسیجی

شهید آرمان علی‌وردی

نماد «جوان مؤمن انقلابی» و «قهرمان نسل عهدبسته»
شهادت در نسل هفت‌هشاد نیز جاری و ساری است. یکی از جلوه‌های این حقیقت، تصاویری است که دوربین‌ها ششگاه چهارشنبه ۴ آبان ۱۴۰۱ شهرک آبکانتان ضبط کردند. تصاویر نرک برای درین علمعماش به دنبال یک جوان می‌دوند و خیابان ورزش این شهرک محل وقوع جنایتی فجیع شد.

همچنین، فیلم کوتاهی از جنایت، مقاومت آن جوان را در برابر شکنجه‌گران حکایت می‌کرد. شهید «آرمان علی‌وردی» زیر شکنجه، پای انقلاب و ولایت استقامت کرد و نماد «جوان مؤمن انقلابی» در جنگ ترکیب دشمن و قهرمان نسل عهدبسته» شد.

آرمان گشت من شهید خواهم شد و به زودی به این‌جا می‌آیم
«آرمان» در جریان افتخاشتاز روز چهارشنبه ۴ آبان ۱۴۰۱ از سوی عداای انسان‌نما رپوده شد. افتخاشگران پس از شکنجه، او را کنار خیابان رها کردند. شهید علی‌وردی همان شب توسط بسیجیان پیدا شدند و پس از انتقال به بیمارستان روز جمعه ۶ آبان ۱۴۰۱ به شهید «احمدعلی رسید». «آرمان» سپس در قطعه ۶۰ بهشت زهرا(س) به خاک سپرده شد. همان مزاری که به یزدی قبل از شهادتش رفته بود، آنجا نماز خوانده و گفته بود که من شهید خواهم شد و بزرگ می‌آیم.

جواد تاجیک، مدیرعامل سازمان بهشت زهرا(س) می‌گوید: همین نقطه جایی است که شهید «سجاد زهرجری» دفن شد و یکی از شلوغ‌ترین قبور گلزار شهادت، شهید «علی‌وردی» عاشق شهید «زهرجری» پاسخ دادم: «جنایت‌پیشگی دشمنانی شد که ادعای آزادی و زندگی داشتند. این شهید، ۲۴ در قطعه ۲۴ که شاگرد آیت‌الله خن‌شاس بود سر می‌زد. مزار این دو شهید باتوق شهید «علی‌وردی» بود.

سال ۱۴۰۱ دشمنان با طراحی پیچیده جنگ ترکیبی امد آما از ملت آگاه و مبارز ایران اسلامی و جوانان به ویژه متولدین دهه هشتاداد تودهنی حکمی خود. در آن مقطع، خون شهیدای افتخاشتاز بر زمین ریخت و نشانه دیگری بر نورانیت و حقانیت راه انقلاب اسلامی شد. مردم محکمی بر رسوایی و جنایت‌پیشگی دشمنانی شد که ادعای آزادی و زندگی داشتند.

۲۱ آبان ساله، جوان متولد دهه هشتاد، طلبه حوزه علمیه آیت‌الله مجتهدی در تهران، ساکن محله شهرک، مربی کانون تربیتی و عضو بسیجیان پگان رای(ضاح) سپاه محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ، روز ریش جوانی‌چون «آرمان» ضامن تحقق آرمان‌های بزرگ انقلاب است.

ماجراجوی گفتگو برای علمایوردی که جوانانی که شعار می‌دادند

جانشین گردان ۵۰۵ حوزه سیدالشهدا(ع) در کتاب «آرمان عزیز» یکی از برخورد‌های این طلبه بسیجی با جوانان فریخوره‌ه را این‌گونه روایت می‌کند: یکبار به شهرک آبکانتان رفتم و در یکی از فروشگاه‌ها منتظر شدم. حوالی عصر بود که حدود ۱۲ جوان، درست رویه‌روی ما در آن طرف خیابان شروع کردند به شعار دادن. می‌خواستم اقدام کنم اما اطلاعات مهمکی است‌و متشنج شدم. آرمان گفت: «آقا فرمان هست که ما اونجا محبت کنیم. اما باید بدیم سستن ندران و واسیر رسانه‌ها شدن. آگاه آگاه بشن که بازی من خورند، قطعاً این کارها رو نمی‌کنن.» گفتیم: «آه قایدهای داره، برو ولی خیلی مراقب باش.

ما هم هوای تو رو داریم.» به گزارش فارس، وزیر با طرف آنها رفت. او لباس بسیجی پوشیده بود. سریع به چند نفر از نیروها که لباس شخصی به تن داشتند، دستور دام به صورت نامحسوس به جمع آنها نزدیک شدند و مراقب اربا می‌باشند. آرمان رفت و با آنها دست داد و شروع به گفتگو کرد. یک نفر آنها را نمی‌شناختند. از حرکات آن جوانان معلوم بود، با پر خاش محبت می‌کنند. آرمان، آرام و ملایم به صحبت‌هایشان گوش می‌داد و بعد با متانت حرف می‌زد. این گفتگو بیش از یک ساعت طول کشید. در نهایت طوری شد که آنها با آرمان می‌گفتند و می‌مخندیدند. بعد دقیقه بعد هم آرمان نداشتند و خداحافظی کردند و به سمت انتهای خیابان صام به راه افتادند. وقتی آرمان پیش ما رسید، نیروها به شوخی به آرمان می‌گفتند: «چی شد؟مخشون رویدی؟ چی کارشون کردی؟» اشاره می‌کردی فرم ثبت‌نام بسج رو برانشون بیاریم.»
آرمان گفت: «کار خاصی نکردم. یک گفتگو کلی ساده بود و شبها ت آنها را برطرف کردم.» بعد از این ماجرا چند روز دیگر به شهرک آبکانتان رفتم. بر هر همان ۱۲ جوان می‌آمدند و با آرمان خوش و بش می‌کردند. در یکی از شبهای استقامت‌ران در شهرک آبکانتان، آرمان نیماده بود. آرمان خوش و بس رسیدند، چون آرمان را پیدا نکردند، سراغ من آمدند و پرسیدند: «آقا فرمان نیست؟» پاسخ دادم: «مشب نیماده و احتمالاً در حوزه، کلاس‌های شبانه دارد.» گفتند: «حوزه؟ چه حوزه‌ای؟» گفتم: «حوزه‌ای که طلبه‌ها اونجا درس می‌خوانند.» گفتند: «آقا فرمان؟ آخوند؟» گفتم: «بله.» گفتند: «چه آخوند باحالی! این اقا آرمان خیلی خوش اخلاقه. هر چی هستش فقط خندید و ما به شوخی کرد. اونقدر با حوصله به سوالاتمون جواب داد که از رو رفتیم.»

مسئولیت‌شناسی و عطفوت یک پرستار

یکی از دوستان شهید علی‌وردی در مدرسه علمیه آیت‌الله خبشتان نیز گفته بود: ایستاده بودیم در جمعیت و شلوغی آبکانتان. در این معرکه همه حرف‌های ناخوش می‌زدند. فحش می‌دادند. به او گفتیم: «ختم چه می‌فشی بدش را به پاسخ به این‌ها، می‌گفت: نه، من دهانم را اوده نمی‌کنم.» خیلی مودب بود. اصلاً حرف بد یا رفتار بد از او ندیدیم. وی افزوده بود: از ناحیه قفس به گردان ما ماموریت داشتند و آنجا رفتم. حدود ۵۰۰-۶۰۰ نفر جمعیت بود. رفتم و نگاه کردم که ببینیم اوضاع چطور است. من حواسم به یکی دیگر از بچه‌ها بود. یکی از دوستان‌مان را گرفتند. من رفتم و از کمک کتم و از دست آن‌ها نجات دهم، شخص دش را سمت ریه‌م در آرمان را گرفته‌اند. ما در این راجت‌نامد، اما آرمان را بر دهنه بردند و هرچه گشتند پیدایش نکردم. رفیق شهید علی‌وردی گفت: همان جوانی، از بالای ساختمان‌ها داشتند روی سر ما بلوک و سنگ پرت می‌کردند. داشتیم این سنگ پرت‌کردن‌ها و بچه‌ها و اوضاع را جمع‌وجور می‌کردیم که دیدیم یکی از موتور‌ها برنشین نرند. فقیهدیم آرمان موتور برگشته است. رفتم که بگیردم و پیدایش کنم که بچه‌های گشت کنار خیابان پیدایش کرده بودند. پدرش نرستان‌شان کرده بود. تلخی داستان آنجا بود که قبل از این که خودش را پیدا کنند، بدش فیلمش را برام فرستاد و گفت: بچه‌م تن کجاست! آنرا» مشخص شد فیلم آنرا خیلی زود منتشر شده بود. در حدی که ما هنوز خودش را پیدا نکرده بودیم، فیلمش منتشر شده بود و خرچیده بود و دست پدرش رسیده بود. ما که در فیلم دیدیم سالم است و دارد محبت می‌کند، خیلی خندیدند. ازم گفت: که خدا را شکر سالم است و با خیال راحت آماری پیدایش می‌گشتم. در حالی‌که بعد از قطع کردن فیلمبرداری، سر آرمان را به جدول می‌کوبند و مغزش شکافته می‌شود. از بس با چوب این بچه را زده بودند تمام زواریهایش کبود شده بود.

وی بیان داشت: وقتی او را پیدا کردیم، خیلی سر و موشتش پر خون بود. اول بردیم بیمارستان صام، با وجود این‌که تخصص این بیمارستان زنان و زایمان است و با این‌که در جلوی در اورژانس است، ما به گفته‌ند که بدیش بیمار تصادفی نراند، اما وقتی حال آرمان را دیدند، بدیش کردند. سبب نرستان‌شان این بیمارستان قبله تقدیر بود. از ابتدای کار آن اتفاق افتاد که با آمولاس آن را بردیم تا لحظه آخر در بیمارستان قبیله‌لته(ع) و زمانی‌که سستری شد، کامل کنار آرمان بود و تمام تلاشش را برای پرستاری و مراقبت از او می‌کرد. زمانی‌که بدیش بیمارستان قبله(ع) تمام شد و دستاوها را در آرمان وصل کردند، خیالش راحت شد که دیگر به حضور او نیازی نیست. کار را هما کرد. خداوند خواهد.

طلبه هکلاسی شهید علی‌وردی گفته بود: دقیق اول، هشیاری‌اش روی ۳ بود. تا ۲۴ ساعت بعد متأسفانه در می‌مان رفت. بعد از این حادثه ما بر گشتیم آبکانتان و آنجا را رها زده بودند و در خواب خوش بودیم. مسیر زبانی او را روی زمین کشیدیم. مادرش در بالای قبر قبیله هکلاسی **روایت رئیس دفتر رهبر انقلاب از لحظه خاکسپاری شهید آرمان علی‌وردی**